

درآمدی بر

چالش‌های تحزب و پیامدهای آن در ایران

حسین مسعودنیا

مقدمه

نخبگان ایرانی، ذهنیت تاریخی ایرانیان از عملکرد احزاب در ایران و بالاخره واقعیت‌های حاکم بر نحوه تشکیل و فعالیت احزاب در ایران عمده‌ترین دلایل حیات مقطعی احزاب در ایران بوده است. از این رو با توجه به چنین پیش‌درآمدی به نظر می‌رسد مهم‌ترین موضوع برای احزاب و رهبران‌شان در مقطع کنونی نهادینه ساختن احزاب و فعالیت آنها به منظور ممانعت از تکرار تجربه تلخ تاریخی (حیات مقطعی احزاب) باشد.

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: علل تکوین و رشد فعالیت احزاب سیاسی در ایران پس از خرداد ۱۳۷۶ چه بوده است و با توجه به تجربیات تاریخی، مختصات فکری و

به دنبال برگزاری انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۷۶، یکی از مشخصات اصلی فضای سیاسی ایران تولد، رشد و رقابت احزاب سیاسی بایکدیگر بوده است. اهمیت این مهم در حیات سیاسی ایران، نه به خاطر تکوین آن برای نخستین بار، بلکه از جهت حیات مقطعی احزاب در تاریخ معاصر ایران پس از اعلان هر فضای گشوده سیاسی و خاموشی چراغ حیات آنها پس از گذشت اندک زمان و بازگشت شرایط انسداد سیاسی بر جامعه ایران است. تأمل در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران طی دو سده اخیر بیانگر این مهم است که مختصات و ویژگی‌های حاکم بر روحیات فکری و رفتاری

واقعیات حاکم بر نحوه تشکیل و فعالیت

احزاب در ایران، حیات احزاب کنونی را چه چالش‌هایی تهدید می‌کند و راه برون رفت از این چالش‌ها کدام است؟

علاوه بر سؤال اصلی، سئوالات فرعی دیگری نیز مدنظر بوده‌اند که عبارت‌اند از:

ایرانیان چگونه با حزب آشنا شدند؟ فعالیت احزاب در ایران معاصر به چند دوره تقسیم می‌شود؟ وجه تشابه و افتراق فعالیت احزاب در مقاطع مختلف در ایران معاصر چیست؟ علل ناکامی احزاب در مقاطع قبلی و حیات مقطعی آنها چه بوده است؟ چرا احزاب در ایران معاصر حیات مقطعی داشته‌اند؟ چالش‌های فراروی احزاب در ایران معاصر کدامین بوده‌اند؟ این چالش‌ها ناشی از ماهیت شکل‌گیری و فعالیت احزاب بوده‌و یا این که از سوی نیروها و نهادهای خاصی فراروی احزاب ایجاد شده است؟ آیا امکان مقابله و برون رفت از این چالش‌ها وجود داشته است؟

فرض اصلی ما در این تحقیق بر آن است که «تحولات ساختاری - جمعیتی ایران پس از پایان جنگ همراه با دیدگاه‌های آقای خاتمی در خصوص توسعه همراه با برخی عوامل دیگر از عمده‌ترین عوامل مؤثر بر تکوین احزاب در موقعیت کنونی ایران بوده است. ضمناً چالش‌های فراروی این احزاب به دلیل برخی واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و فکری تا اندازه زیادی شبیه چالش‌های فراروی احزاب در

مقاطع قبلی است». هدف نگارنده در این پژوهش پاسخ به سئوالات مطروحه و بررسی صحت و سقم فرضیه فوق با اتکا به داده‌های تاریخی و اجتماعی است.

نگاهی به تاریخچه احزاب در ایران

تلاش ایرانیان برای تأسیس نهادهای مدنی، از جمله حزب، ثمره آشنایی نواندیشان ایرانی با غرب در سده نوزدهم بود. توضیح این که وقوع انقلاب صنعتی در اروپا و پیامدهای آن ایرانیان را با موج دوم استعمار مواجه ساخت. اگر چه حاصل این رویارویی برای ایرانیان، مانند بسیاری از کشورهای اسلامی شکست بود، اما برای نخستین بار نزد برخی از نواندیشان ایرانی تکانه‌ای ایجاد کرد و با طرح سؤال علل عقب‌ماندگی مشرق زمین این عده را به اتخاذ راهکاری برای غلبه بر این ضعف ترغیب نمود. حاصل این رهیافت اعزام دانشجویان به فرنگ برای کسب فن و تمدن نوین بود.^(۱) دانشجویان اعزامی به فرنگ پس از بازگشت به ایران همراه با دیگر نواندیشان ایرانی که افق فکری آنان با سفر به کشورهای همسایه - مانند عثمانی و قفقاز روسیه یا تحصیل در مراکز از قبیل دارالفنون تحول یافته بود، به یکدیگر نزدیک شدند و زمینه‌ساز تکوین گروهی در ساختار اجتماعی ایران را فراهم ساختند که بعدها ویژگی طبقه یافتند و اصطلاح روشنفکر بر آنان نهاده شد.^(۲)

مهم‌ترین تقاضای این طبقه نوظهور، نوسازی ساختار سیاسی ایران از طریق گسترش ساختار اداری و نهایتاً استقرار نظام پارلمانتاریسم در ایران بود؛ آرمانی که بر اثر همکاری با دیگر گروه‌های ناراضی، به‌ویژه روحانیون و بازرگانان، بالاخره در سال ۱۳۲۴ ه. ق (۱۹۰۶ م) با صدور دستخط فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه قاجار تحقق یافت.^(۳)

با گذشت اندک زمانی نواندیشان ایرانی در سده نوزدهم، به‌عنوان عاملان و مجریان توسعه در ایران، متوجه این مهم شدند که نه تنها نوسازی اقتصادی و صنعتی مستلزم نوسازی در سایر زمینه‌ها به‌ویژه امور اجتماعی و سیاسی است، بلکه ضروری‌ترین ابزار برای استقرار نظام مبتنی بر پارلمانتاریسم و سپس نهادینه ساختن آن ایجاد و فعالیت نهادهای مدنی به‌ویژه احزاب سیاسی می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد با توجه به چنین پیش‌درآمدی نواندیشان ایرانی در این مقطع هم‌زمان با تلاش برای استقرار مشروطیت اقدام به تأسیس احزاب نیز کردند.

نهادهای اولیه‌ای که بدین منظور در دوره قاجاریه تشکیل شد، ابتدا نظیر تشکیلات ماسونی و سپس انجمن‌ها، که مهم‌ترین آنها

انجمن مخفی بود، اگر چه رسماً نام حزب نداشتند، اما عملاً در جامعه به ایفای نقش حزب می‌پرداختند.^(۴) شاید نخستین تجربه رسمی

ایرانیان از تشکیلات حزبی به معنای واقعی و جدید آن مربوط به رهبری حزب سوسیال

دموکرات همت در قفقاز روسیه توسط برخی از ایرانیان مانند محمدمامین رسول زاده و حیدرخان عمواغلی باشد.^(۵) با استقرار نظام مشروطیت در ایران نه تنها زمینه مناسب برای تشکیل احزاب فراهم شد، بلکه رقابت در مرحله انتخابات و سپس در درون مجلس در قالب فراکسیون‌ها تشکیل احزاب را ضروری می‌ساخت. با وجود این، احزاب در مجلس اول مشروطه وجود نداشتند و در عوض گروه‌های سیاسی کارکرد حزبی داشتند.^(۶) به دنبال فتح تهران در سال ۱۳۲۷ ه. ق. (۱۹۰۹ م) توسط مشروطه خواهان، به منظور پایان دادن به استبداد صغیر و با تشکیل مجلس دوم مشروطه برای نخستین بار در تاریخ پارلمان ایران احزاب اعلان موجودیت کردند که دو حزب اصلی آن، دموکرات عامیون و اجتماعیون اعتدالیون بودند.^(۷) از آن هنگام تاکنون هر از چندگاهی احزاب در فضای سیاسی ایران تشکیل و به فعالیت پرداخته و با گذشت مدت زمانی نیز صحنه سیاسی را ترک کرده‌اند. ظهور و افول مقطعی احزاب در تاریخ معاصر ایران، تاریخ تحزب در ایران را به چند دوره تقسیم می‌کند:

- دوره اول: از استقرار مشروطیت در ایران تا پایان دوران سلطنت رضاشاه؛

- دوره دوم: از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲؛

- دوره سوم: از ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲؛

- دوره چهارم: از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰؛

- دوره پنجم: از ۱۳۷۶ به بعد.

بدون تردید در هر یک از مقاطع پنج گانه فوق عوامل مختلف ذهنی و عینی در تشکیل، فعالیت و سرنوشت احزاب نقش داشته اند که تشریح آنها از حوصله این مقال خارج است. هدف نگارنده در این قسمت تشریح عوامل مؤثر بر شکل گیری و تشدید فعالیت احزاب در ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۷۶ و آغاز دوران ریاست جمهوری جناب آقای خاتمی است.

علل رشد فعالیت احزاب در ایران پس از خرداد ۱۳۷۶

علاقه بسیاری از ایرانیان، به ویژه نخبگان و جوانان، به فعالیت های حزبی در ایران از خرداد ۱۳۷۶ به بعد بیانگر دو نکته است: اول این که در جامعه ایران قبل از خرداد ۱۳۷۶ یک سلسله تغییرات و تحولاتی به وقوع پیوسته که تقاضا برای مشارکت در فعالیت های سیاسی از طریق ساز و کارهای قانونی را طلب می کرده است؛ دوم، به لحاظ عینی از این تاریخ به بعد نیز شرایطی در جامعه حاکم شده که شکل گیری احزاب و فرایند مشارکت را تسهیل و تشدید کرده است. بنابراین عوامل مؤثر در تشدید فعالیت های حزبی در سال های اخیر را به دو دسته می توان تقسیم کرد: عواملی که قبل از دوم خرداد تقاضا را برای مشارکت سیاسی افزایش داده بود، و عواملی که پس از آن تاریخ

زمینه تحقق این مهم را فراهم ساخت.

درخصوص عوامل نخست به نظر می رسد مهم ترین نقش را نوسازی اقتصادی بعد از جنگ و تغییرات ساختاری - جمعیتی که در دهه دوم انقلاب در جامعه ایران به وقوع پیوسته بود، داشته باشد. توضیح این که با قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، رحلت حضرت امام (ره) و آغاز دوران ریاست جمهوری جناب آقای هاشمی رفسنجانی دوران جدیدی در تاریخ انقلاب آغاز شد. ویرانی های باقیمانده از دوران جنگ و لزوم بازسازی آنها، واگذاری مسئولیت اجرایی اولین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران بعد از انقلاب (۷۲-۱۳۶۸) به نخستین دولت بعد از جنگ همراه با تفکرات رئیس جمهور وقت سبب شد تا برنامه های اقتصادی در اولویت قرار گیرند؛ مشخصه ای که در دو دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی ۷۶ - ۱۳۶۸ حفظ شد. شاید به همین منظور، نامبرده هنگام معرفی نخستین کابینه خود برای آن عنوان «کابینه کاری» را انتخاب کرد.

در اولویت قرار گرفتن برنامه های اقتصادی همراه با حجم عظیمی از سرمایه گذاری، دریافت وام های کلان خارجی و تزریق آنها به جامعه بعد از جنگ، تلاش برای کم کردن فاصله روستاها از شهرها، ایجاد دگرگونی در الگوی مصرف، تغییر فضای فرهنگی جامعه از نظر کمی و کیفی و غیره در نهایت سبب ایجاد موجی از تحولات در لایه های اجتماعی شد. مهم ترین

پیامد این دگرگونی ظهور یک قشر تکنوکرات جدید شامل مدیران، متخصصان، فن سالاران، کارگران ماهر و دانش آموختگان جدید بود که نهایتاً منجر به رشد طبقه متوسط شد؛^(۸) طبقه‌ای که مهم‌ترین تقاضای آن مشارکت در امور سیاسی بود، ولی جامعه ایران فاقد نهادهای مدنی لازم برای پاسخگویی به این تقاضا بود. بدین ترتیب یک بار دیگر در جامعه ایران عدم هماهنگی میان توسعه اقتصادی و سیاسی آشکار و ضرورت آزادسازی فضای سیاسی، ولو به صورت تدریجی، آشکار شد.^(۹)

نفر در سال ۱۳۷۵ رسید. در این تحول جمعیتی، سهم جوانان بین ۱۵ تا ۱۹ سال در ترکیب جمعیتی ایران مهم بود. این گروه که به دلیل تولد بعد از انقلاب، رویدادهای نخستین بعد از پیروزی و جنگ همراه با انگاره‌های ارزشی آن را درک نکرده بود، هنگامی وارد عرصه اجتماعی - سیاسی شد که بر اثر نوسازی و پیامدهای آن انگاره‌های نوین در حال تکوین و یا شکل گرفته بود. آن چه در این میان تأثیر دگرگونی‌های جمعیتی را بر تحولات ساختاری افزایش داد، سیاست‌های فرهنگی دولت در زمینه گسترش کمی مراکز آموزشی به ویژه در سطوح دانشگاهی و ابزارهای فرهنگی در جامعه بود که در نهایت منجر به افزایش تعداد دانش آموزان، دانشجویان، دانش آموختگان و فارغ التحصیلان دانشگاهی و بالاخره افزایش قشر روشنفکر شد (جدول ۱-۱ و ۱-۲). نگاهی به سیر صعودی شمارگان روزنامه‌ها، مجلات و کتب در سال‌های بعد از ۱۳۶۸ گواه بارزی بر رشد گرایشهای روشنفکری در جامعه و افزایش تقاضا برای ابزارهای پاسخگو به آن است. تحولات اخیر همراه با رشد شهرنشینی (جدول شماره ۳-۱) و گسترش ارتباطات به تدریج سبب افزایش تقاضا برای مشارکت در امور سیاسی به ویژه از سوی نسل جوان، تحصیلکرده و آگاه شهری شد. شاید شکل‌گیری حزب کارگزاران سازندگی در آستانه برگزاری انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی و استقبال از آن، بیانگر

پیامد این دگرگونی ظهور یک قشر تکنوکرات جدید شامل مدیران، متخصصان، فن سالاران، کارگران ماهر و دانش آموختگان جدید بود که نهایتاً منجر به رشد طبقه متوسط شد؛^(۸) طبقه‌ای که مهم‌ترین تقاضای آن مشارکت در امور سیاسی بود، ولی جامعه ایران فاقد نهادهای مدنی لازم برای پاسخگویی به این تقاضا بود. بدین ترتیب یک بار دیگر در جامعه ایران عدم هماهنگی میان توسعه اقتصادی و سیاسی آشکار و ضرورت آزادسازی فضای سیاسی، ولو به صورت تدریجی، آشکار شد.^(۹)

رشد طبقه متوسط → نوسازی اقتصادی

↓
افزایش تقاضا برای مشارکت

علاوه بر تغییرات ساختاری، برخی دگرگونی‌های ایجاد شده در جامعه به لحاظ جمعیتی نظیر افزایش جمعیت، جوان بودن جامعه ایران و رشد شهرنشینی همراه با رشد نرخ باسوادی در جامعه به ویژه در سطوح متوسطه و دانشگاهی نیز سبب افزایش تقاضا برای مشارکت در امور سیاسی شد. توضیح این که عدم اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت در سال‌های نخستین بعد از پیروزی انقلاب همراه با اعمال برخی سیاست‌های تشویقی بر روند افزایش نرخ رشد جمعیت تأثیرگذار، به گونه‌ای که جمعیت کشور در طول نزدیک به دو دهه تقریباً دو برابر شد و به حدود ۶۰ میلیون

جدول شماره (۱-۱) - مقایسه رشد جمعیت باسواد در سال‌های ۷۵ - ۱۳۵۵

نرخ رشد باسوادی سال	کل جمعیت ۷ ساله به بالا (نفر)	میزان باسوادی	مناطق شهری	مناطق روستایی
۱۳۵۵	۲۶/۰۴۴/۶۱۵	%۴۷/۵	%۶۵/۲	%۲۹/۷
۱۳۶۵	۳۸۷۰/۸۸۷۹	%۵۲/۵	%۶۹/۸	%۳۲/۷
۱۳۷۵	۵۲/۲۹۴/۹۷۹	%۷۹/۵۱	%۷۲/۹۱	%۵۶/۲۶

منبع: مرکز آمار ایران، به نقل از علی ربیعی، تحولات جامعه‌شناسی آموزشی، (تهران: فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۰)، ص ۱۳۷.

جدول شماره (۱-۲) - مقایسه شاخصه‌های فرهنگی براساس مراکز آموزشی - فرهنگی و ابزارهای فرهنگی

عنوان	سال ۱۳۵۶	سال ۱۳۷۶	درصد رشد مطلق
دانشجو	۱۵۴/۰۰۰ نفر	۷۲۵۰/۰۰۰ نفر	۸۱۲
مراکز آموزشی عالی	۶۰	۲۶۶	۴۴۳
نشریات	۲۴۰	۱۰۰۰	۲۶۲/۲
کتاب (عنوان)	۲۸۰۰	۱۶۰۰۰	۵۷۲
کتابخانه‌های عمومی	۳۶۰	۶۷۰	۱۸۶
صدا و سیما (تولید)	۸/۸۰۰ ساعت	۱۶۶/۱۲۵ (ساعت)	۸۸۳

منبع: گزارش‌های وزارت فرهنگ و آموزش عالی، به نقل از علی ربیعی، همان، صص ۱۴۳ و ۱۳۷.

جدول شماره (۱-۳) - مقایسه جمعیت شهرنشین و روستایی در ایران طی سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۵۵

سال مورنظر	کل جمعیت	شهرنشین	روستانشین	درصد
۱۳۵۵	۳۳/۷۰/۸۷۴۴	۱۵/۸۵۴/۶۸۰	۱۷/۸۵۴/۰۶۴	۴۵/۷ شهرنشین ۵۴/۸ روستانشین
۱۳۶۵	۴۹/۴۴۵/۰۱۰	۲۶/۸۴۴/۵۶۱	۲۲/۳۴۹/۳۵۱	۵۴/۸ شهرنشین ۴۵/۲ روستانشین
۱۳۷۵	۶۰/۰۵۵/۴۸۸	۳۶/۸۱۷/۸۷۹	۲۳/۰۲۶/۲۹۳	۶۱/۳ شهرنشین ۳۸/۷ روستانشین

منبع: مرکز آمار ایران، به نقل از علی ربیعی، همان، ص ۱۳۴.

خواسته‌های بالقوه موجود در جامعه ایران بوده باشد.

بدین ترتیب در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۷۶ بر اثر تحولات ساختاری - جمعیتی به وقوع پیوسته در جامعه ایران در سال‌های گذشته، تقاضا برای مشارکت در امور سیاسی از طریق نهادهای مدنی، به ویژه احزاب، افزایش یافته بود. آن چه زمینه را برای تحقق این مهم فراهم ساخت، پیروزی آقای خاتمی در انتخابات سال ۱۳۷۶ بود. تأمل و تجزیه تحلیل برنامه‌های تبلیغاتی نامبرده قبل از انتخابات و سخنرانی‌ها و برنامه‌های وی پس از انتخابات به عنوان رئیس جمهور بیانگر تعقیب استراتژی «صلح مردم سالارانه»^(۱۰)، یعنی تنش زدایی در عرصه خارجی و گسترش مردم سالاری در داخل بوده است. هدف رئیس جمهور جدید ایران از اصلاحات داخلی انجام توسعه موزون، استقرار جامعه مدنی، شفاف سازی امور، تثبیت نظام و تعیین جهت آینده آن بود. در خصوص توسعه، همان طور که قبلاً گفته شد، تأکید بر توسعه اقتصادی در دو دوره متوالی ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی سبب [...] عدم انجام توسعه سیاسی همپای توسعه اقتصادی بود. از این رو ضروری ترین مسئله از نظر آقای خاتمی ایجاد توازن میان توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی بود. علاوه بر این نامبرده نگرشی نوین در خصوص موضوع تثبیت نظام داشت.

توضیح آن که در حالی که تا قبل از این، اصطلاح تثبیت نظام به تبیین دوران گذار از انقلاب به نظام و مقابله با تهدیدات خارجی از جمله جنگ تحمیلی اشاره می کرد، اکنون از نظر رئیس جمهور جدید ایران معنایی متفاوت داشت. نامبرده بر این باور بود که مهم ترین آفت فراروی انقلاب در سال‌های آینده، موضوع انقطاع نسل‌ها، سرخوردگی انقلابیون و کناره گیری آنها از صحنه و در نهایت حاکم شدن شرایط ترمیدور بر انقلاب ایران است. لذا از منظر آقای خاتمی یگانه راه تثبیت نظام جذب نسل دوم انقلاب و نهادینه ساختن مشارکت آنها، به منظور حفظ ویژگی مردمی بودن انقلاب از طریق ایجاد نهادهای مدنی نظیر احزاب - اتحادیه‌ها - سندیکاها و انجمن‌ها، به عنوان رابط میان دولت و ملت بود. وی با طرح گفتمان «جامعه مدنی» و تعقیب آن نه تنها به دنبال تحقق این مهم، بلکه در صدد نهادینه ساختن فرهنگی مسئولیت پذیری در تمامی سطوح جامعه، پاسخگو کردن دولت در قبال ملت و نهایتاً شفاف سازی امور بود.

بدین ترتیب با به قدرت رسیدن آقای خاتمی شرایط عینی برای تحقق تقاضاهای موجود در جامعه ایران جهت مشارکت در امور سیاسی از طریق نهادهای مدنی به ویژه احزاب فراهم شد. بنابراین شاید بتوان در تحلیل کلان شکل گیری و رشد فعالیت احزاب در جامعه کنونی ایران را در پاسخ به گزینه‌های زیر دانست:

- هنگامی که پیشرفت های سیاسی آهنگی کندتر از دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی داشته باشد یا زمانی که انتظارات برانگیخته شده در جامعه در زمینه های رفاهی با موانع برخورد کند، تقاضا برای اصلاحات دموکراتیک افزایش می یابد.

چالش های فراروی احزاب و راهکارهای مقابله با آن

- برقراری صلح در جبهه خارجی همراه با تلاش برای ایجاد رفاه اقتصادی در داخل سبب نادیده گرفتن فضای باز سیاسی توسط مردم نمی شود. - رشد طبقه متوسط و پیدایش یک طبقه بورژوازی صنعتی به تدریج انجام اصلاحات دموکراتیک و ایجاد نهادهایی به منظور مشارکت در امور سیاسی را می طلبد.

- ملاحظات مربوط به توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی برای مردم پس از یک دوره مشکلات سبب نادیده گرفتن اصلاحات سیاسی نمی شود. - تلاش برای تعقیب سیاست های فرهنگی از بالا همراه با توجیه ایدئولوژیک در جامعه ای که طبقه متوسط آن حال در افزایش است، تقاضا برای مشارکت در امور سیاسی را دو چندان می کند.

- تأکید بیش از حد بر اصلاحات اقتصادی با بهره گیری از فن سالاران و تکنوکرات ها پس از مدت زمانی سبب نگرانی مردم و رویکرد آنها به اصلاحات سیاسی می شود.

- گسترش نظام آموزشی یک جامعه از نظر کمی و کیفی، افزایش تعداد دانش آموختگان یک جامعه به ویژه در سطوح دانشگاهی همراه با

ایجاد انتظارات غیرقابل تحقق نزد آنها تقاضا را برای انجام اصلاحات دموکراتیک در جامعه افزایش می دهد.

ظهور و تشدید فعالیت کنونی احزاب در ایران، با توجه به تجربیات تلخ ایرانیان از حیات و فعالیت احزاب در مقاطع قبلی، آسیب شناسی به موقع و اتخاذ راهکارهای مناسب جهت مقابله با چالش های فراروی احزاب را می طلبد. نگارنده بر این باور است که تأمل در تاریخ فعالیت احزاب در ایران معاصر همراه با توجه به مختصات اجتماعی، فکری و سیاسی ایران و تجزیه و تحلیل الگوی رفتاری حاکم بر نخبگان آن بیانگر این مهم است که به دلیل تشابه عوامل دخیل در تکوین و نحوه عملکرد احزاب در مقاطع مختلف تا اندازه زیادی چالش های فراروی آنها نیز یکسان است. از این رو، علی رغم تأکید بسیاری از پژوهشگران موضوع توسعه سیاسی در ایران بر نقش دولت و صاحبان قدرت در عدم نهادینه شدن فعالیت احزاب، علل عمده ناکامی احزاب ناشی از چگونگی شکل گیری و نحوه عملکرد آنان بوده است. چالش هایی که در زیر به آن اشاره خواهد شد.

در خصوص شکل گیری، ایراداتی بر نحوه شکل گیری احزاب وارد است:
- شکل گیری بر اساس نیاز فرد، و نه نیاز جامعه:

تأمل در تاریخ سیاسی معاصر غرب بیانگر این کرده‌اند.

مهم است که با رویکرد مغرب زمین به مدرنیسم تمامی ابعاد زندگی اروپائیان دچار تغییر شد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این فرایند دگرگونی در فرهنگ سیاسی مردم و نیاز جامعه به شکل‌گیری احزاب بوده است. در حالی که به نظر می‌رسد در ایران معاصر، حتی در مقطع فعلی بسیاری از احزاب، نه براساس نیاز جامعه، بلکه براساس نیاز فرد شکل می‌گیرد، شاید رویش قارچ‌گونه احزاب در ایران در هر مقطع ناشی از این مهم بوده باشد.

- شکل‌گیری احزاب بر اثر موج‌های سیاسی ایجاد شده در جامعه، و نه تکوین موج برای ایجاد تغییر و تحول: تأمل در جامعه‌شناسی تاریخی ایران بیانگر این مهم است که به دلیل عدم اتکای دولت به طبقات در ایران، دولت و طبقات رو در روی یکدیگر قرار داشتند.^(۱۱) بدین دلیل مخالفت‌های سیاسی در ایران، نه ماهیت طبقه‌ای، بلکه خصلت ائتلاف‌های ناهمگون^(۱۲) داشته است. حاکم بودن چنین شرایطی، سبب شده تا تغییر و تحولات اجتماعی در ایران همراه با ایجاد نوعی موج‌های سیاسی در جامعه باشد. تأمل در تاریخ و تحولات اجتماعی ایران نشان می‌دهد که احزاب سیاسی در مقاطع مختلف بر اثر این موج‌ها شکل گرفته‌اند. این در حالی است که در غرب احزاب خود موتور تغییر و تحولات بوده و موج‌های سیاسی را با ویژگی‌های خاص خود ایجاد

کرده‌اند. - اجماع نخبگان ایرانی برای شکل‌گیری احزاب، نه براساس اهداف سیاسی مشترک، بلکه براساس معیارهای فامیلی و قومی: موفقیت احزاب در نیل به بدیهی‌ترین هدف خود یعنی دستیابی به قدرت سیاسی ایجاب می‌کند که مؤسسان حزب حداقل در اهداف و تعریف آن اشتراک نظر داشته باشند. حال آن که تأمل در تاریخچه احزاب ایران معاصر بیانگر این مهم است که بنیانگذاران بسیاری از احزاب در ایران، نه براساس اهداف سیاسی مشترک، بلکه براساس ملاک‌های فامیلی، قومی و... به دور هم جمع شده و احزاب را تشکیل داده‌اند.

- دولتی بودن احزاب در ایران: محرومیت دولت از حمایت طبقات در ایران، نیاز مالی احزاب، تلاش دولت‌ها به منظور بسط پایگاه و انحصاری کردن قدرت نزد خود موجب شده است تا بسیاری از احزاب از دل دولت‌ها زاده شوند. پیامد حاکم بودن چنین وضعیتی بر تشکیل احزاب در ایران هنگامی قابل تأمل است که این مهم مدنظر قرار گیرد که براساس موازین دموکراتیک دولت‌ها باید برآمده از احزاب و نمایندگان آنها باشند، نه احزاب نمایندگان دولت.

تکوین و رشد غیر متعارف احزاب در ایران سبب شد تا عملکرد آنها نیز به لحاظ ماهوی خارج از قاعده‌بازی رقابت حزبی باشد، فرآیندی که در نهایت فعالیت احزاب را با

بن بست مواجه می‌ساخت. مهم‌ترین چالش‌های فراروی فعالیت احزاب را به شرح زیر می‌توان ذکر کرد:

- حاکم بودن روحیه حذف به جای رقابت بر رفتار احزاب در ایران: حاکم بودن روحیه فردگرایی بر رفتار اجتماعی و سیاسی ایرانیان به جای مشارکت، تولد مقطعی احزاب، ناامیدی و یأس نخبگان ایران از مشارکت در قدرت سیاسی از طریق قانونی به دلایل داخلی و خارجی، سیال بودن وضعیت سیاسی کشور و عدم اطمینان به آینده همراه با برخی عوامل دیگر باعث شد تا منطق حاکم بر رفتار احزاب در تاریخ معاصر ایران حاصل بازی با جمع صفر باشد. بدین ترتیب هر یک از احزاب حیات خود را در نابودی حزب دیگر، نه حیات آن می‌بیند. به نظر می‌رسد با توجه به چنین پیش درآمدی ترور آیت‌ا. طباطبایی رهبر اعتدالیون در مجلس دوم و نشانه رفتن انگشت اتهام به تقی‌زاده، رهبر عامیون، در نخستین مرحله از تجربه حزبی ایرانیان بهتر قابل درک و تفسیر باشد.

- عدم اجماع نخبگان احزاب در اتخاذ تصمیمات محوری و کلیدی: فردگرایی ایرانیان بر رفتار نخبگان ایرانی نیز اثر گذارده و سبب شد تا حتی گاه مؤسسان و کادر رهبری احزاب در ایران نیز بر سر تعریف مفاهیم کلیدی و بنیادین به توافق نرسند. بسیاری از پژوهشگران این موضوع را از ابعاد مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار

داده‌اند. اگر چه بسیاری از اینان بر این باور بوده‌اند که این عدم اجماع ناشی از اختلاف نظر میان روشنفکران و روحانیون است، اما تأمل در تاریخ معاصر ایران بیانگر این مهم است که هم در میان روشنفکران و هم در میان روحانیون در نیل به اجماع نظر در خصوص مفاهیم بنیادین، مشکل وجود داشته است.^(۱۳) به نظر می‌رسد انتخاب عنوان «جبهه» برای فعالیت‌های سیاسی در ایران در دو مقطع، یکی در دهه ۱۳۲۰ از سوی هواداران دکتر محمد مصدق و دیگری در دهه ۱۳۷۰ از سوی طرفداران دولت خاتمی بیانگر این مهم باشد. بدیهی‌ترین پیامد این امر بروز اختلاف نظر با گذشت زمان و ناکار آمدن شدن احزاب می‌باشد.

- وابستگی حیات احزاب به حیات افراد: حیات بسیاری از احزاب در ایران وابسته به حیات رهبر یا مؤسس حزب بوده است. تشکیل حزب بر اساس منافع فردی، نه نیاز جامعه و علاقمند رهبران احزاب، به انحصاری ساختن قدرت نزد خود انجامیده است، تا بسیاری از احزاب در ایران از تعقیب سیاست‌هایی به منظور نهادینه ساختن حزب نظیر فعال کردن بخش آموزش حزب برای کادرسازی، تشکیل مجمع‌های سالیانه و نقد عملکرد خود و غیره غافل بمانند. بدیهی است که حیات چنین احزابی به مؤسس یا رهبر حزب وابسته باشد.

- تمجید از دولت‌ها، و نه انتقاد از آنها: بررسی عملکرد احزاب در جوامع دموکراتیک نشان

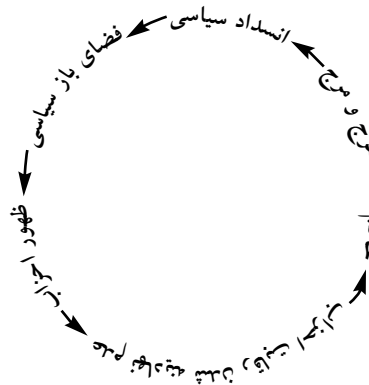
می‌دهد که احزاب بیشتر نقش منتقد را در جامعه ایفا می‌کنند، نه نقشی برای توجیه و تمجید دولت. این در حالی است که احزاب مهم در ایران در مقاطعی به دلیل نقش دولت در شکل‌گیری آنها وظیفه اصلی خود را فراموش کرده و به تدریج در جامعه نقش توجیه و تفسیر برنامه‌های دولت، حتی برنامه‌های غلط و اشتباه، را بر عهده می‌گیرند. عهده‌دار شدن چنین وظیفه‌ای به تدریج باعث می‌شود تا روزنامه‌ارگان حزب نیز نقش اصلی خود را که نقد سیاست‌های موجود در جامعه، تبیین سیاست‌های آینده، ایجاد تحول در فرهنگ سیاسی جامعه بر اساس نیازهای حزب و نهایتاً کادرسازی و یارگیری است فراموش کند و صرفاً به درج توجیه و تفسیرهای ژورنالیستی به حمایت از دولت وقت بپردازد.

- رویکرد به فعالیت‌های اقتصادی و غیرسیاسی: بسیاری از احزاب در تاریخ معاصر ایران به دلیل تلقی بسیاری از ایرانیان، حتی نخبگان از عضویت در آن، نه به عنوان یک ضرورت در جامعه مدرن، بلکه به عنوان نردبانی برای نیل به اهداف سیاسی و اقتصادی، ناگزیر از مهم‌ترین منبع درآمد متعارف خود، پرداخت حق عضویت، محروم شوند و سعی در جایگزین ساختن منابع درآمد جدید کنند. نزدیکی به دولت‌ها و استفاده از رانت‌های دولتی، انجام فعالیت‌های اقتصادی و بالاخره انجام امور غیرحزبی برای تأمین درآمد از مهم‌ترین پیامدهای این وضعیت است. راهکارهایی که مهم‌ترین پیامد آن دور ماندن احزاب از اهداف بنیادین و محوری خود می‌باشد.

- توجیه احزاب ایرانی به تاکتیک، و نه استراتژی: عدم نهادینه شدن آزادی در ایران، ورزش مقطعی آن و رویش قارچ‌گونه احزاب با ورزش نسیم آزادی در هر مقطع باعث شده تا نه تنها احزاب در ایران معاصر حیات مقطعی داشته باشند، بلکه آنها را از اتخاذ استراتژی و تعقیب برنامه‌های دراز مدت محروم سازد، چرا که احزاب به دلیل عدم اطمینان به آینده خود تنها مقطعی فکر کرده و در صدد برآمده‌اند که با اتخاذ تاکتیک‌های مختلف حداکثر استفاده را از فضای سیاسی جامعه بنمایند. حاکم بودن چنین شرایطی بر عملکرد احزاب در ایران سبب شده تا از یک طرف نقش آنها در جامعه به جای ایجاد موج به موج سواری تبدیل شود و از طرف دیگر به دلیل تلاش برای حداکثر استفاده با کمترین هزینه سیاسی نه تنها به ایجاد ثبات کمک نکرده است، بلکه به افزایش تنش و هرج و مرج سیاسی نیز دامن می‌زند.

حاکم بودن چنین چالش‌هایی فراروی احزاب در ایران معاصر، هم به لحاظ شکل‌گیری و هم به لحاظ عملکرد، همراه با برخی چالش‌های دیگر نظیر عدم مشخص بودن وظایف قوای سه‌گانه در قبال احزاب، دخالت‌های خارجی، عدم پذیرش قاعده بازی سیاسی از سوی نخبگان ایرانی، تأکید بر نقش اسطوره‌ای رهبران حزبی در فعالیت‌های سیاسی ایران و

بلاخره وجود برخی موانع سنتی در ایران موجب شد تا احزاب در ایران معاصر نه تنها در نهادینه ساختن بازی قدرت موفق نباشند، بلکه در هر مقطع با گذشت اندک زمانی به دلیل برخی افراط‌ها و تفریط‌ها باعث تشدید هرج و مرج و رویکرد مجدد ایرانیان به استبداد و حاکم شدن حالت انسداد سیاسی برفضای جامعه ایران شوند؛ وضعیتی که سبب ایجاد نوعی ذهنیت منفی از احزاب نزد ایرانیان شد. شاید بتوان چرخه عملکرد احزاب در حیات سیاسی معاصر ایران را در شکل زیر نشان داد:



- ایجاد دگرگونی در رابطه احزاب و رهبران آنها، به عبارت دیگر مقدم داشتن حیات و منافع احزاب بر حیات و منافع رهبر و رهبران حزب؛
- توجه بیشتر احزاب به فعالیت‌های آموزشی به منظور کادرسازی و خارج ساختن حیات احزاب از اتکای به فرد یا افراد خاص؛
- ایجاد دگرگونی در فرهنگ سیاسی مردم و اتخاذ راهکارهای مناسب جهت ایجاد تحول در نگاه افراد به ویژه نخبگان نسبت به حزب. به عبارت دیگر احزاب باید با توجه به موضوع آموزش ضرورت مشارکت سیاسی را جایگزین تلقی ابزاری از مشارکت در جامعه کنند؛
- نقد کارنامه خود و سعی در اتخاذ راهکارهای جدید با توجه به شرایط و مقتضیات زمان؛
- توجه به ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه در اتخاذ تصمیمات و عملکردها؛
- رعایت حد و مرز بین دو مقوله انتقاد و مخالفت

تشابه در نحوه شکل‌گیری احزاب در ایران، چالش‌های یکسان فراروی آنها از نظر شکل و فعالیت، ویژگی‌های حاکم بر رفتار نخبگان ایرانی، موانع ساختاری موجود در جامعه ایران و وجود برخی تشابهات دیگر سبب شد تا چالش‌های فراروی احزاب حاضر در ایران تا اندازه زیادی به چالش‌های فراروی احزاب در مقاطع قبل یکسان باشند. به نظر نگارنده توجه و



در اتخاذ راهکارها و فعالیت‌ها؛

- مدنظر قراردادن تحولات داخلی، منطقه‌ای و

فرمانطقه‌ای در تصمیم‌گیری‌ها؛

- واقع‌گرایی و سعی در روزآمدن کردن برنامه‌ها و راهکارها.

فرجام

آشنایی نخبگان ایرانی با غرب و تلاش آنها برای استقرار نظام سیاسی مبتنی بر پارلمان‌تاریسم، آنان را با حزب و فعالیت‌های حزبی آشنا و ترغیب به تشکیل آن در ایران نمود. بدین ترتیب حزب و فعالیت حزبی در ایران ارتباط تنگاتنگی با مشروعیت دارد. در ایران معاصر در چند مرحله با باز شدن فضای سیاسی احزاب تشکیل شدند، اما با گذشت اندک زمانی به دلایل مختلف فعالیت آنها متوقف شد. پس از انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۷۶ نیز از یک طرف به دلیل تحولات ساختاری - جمعیتی به وقوع پیوسته در سال‌های قبل در جامعه ایران و از طرف دیگر به دلیل نگاه متفاوت رئیس‌جمهور منتخب در قبال توسعه و ثبات سیاسی، یک بار دیگر احزاب در فضای سیاسی ایران ظاهر شدند. لذا با توجه به تجربیات تلخ ایرانیان از احزاب و فعالیت آنها در ایران، بازشناسی واقعیت‌ها و چالش‌ها و تلاش برای مقابله با آنها ضروری‌ترین مسئله برای موضوع تحزب در ایران کنونی می‌باشد.

پانویس‌ها

- ۱- حمید عنایت، «احیای تاریخی اسلام»، ترجمه احمد تدین، مجموعه تاریخ معاصر ایران، (تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۸)، کتاب اول، صص ۵۱ و ۵۰.
- ۲- پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، (تهران: نشر نی، ۱۳۷۷)، صص ۸۶-۷۵.
- ۳- حسین مسعود نیا، «اندیشه‌ها و نقش روشنفکران در ایران: گذشته و حال»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال دوم، شماره هفتم، صص ۲۹ و ۲۸.
- ۴- هاشم محیط مافی، مقدمات مشروعیت، به کوشش مجید تفرشی و جواد جان‌فدا، زیر نظر ایرج افشار، (تهران: انتشارات فردوسی و انتشارات علمی، ۱۳۶۳)، صص ۵۰-۴۹.
- ۵- برای اطلاع بیشتر ن.ک: منصوره اتحادیه (نظام مافی)، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروعیت، دوره اول و دوم مجلس شورای ملی، (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱)، صص ۷۲-۵۸.
- ۶- پیشین، صص ۷۲-۶۹.
- ۷- محمد تقی بهار (ملک‌الشعرا)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (انقراض قاجاریه)، ج ۱، (تهران: شرکت سهامی چاپ رنگین، ۱۳۲۱)، صص ۱۰-۸.
- ۸- علی ربیعی، جامعه‌شناسی تحولات ارزشی، (تهران: فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۰)، صص ۲۰۰-۱۸۳.
- ۹- برای اطلاع بیشتر از این نمودار ن.ک: ساموئل هانتینگتون، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهسا، (تهران: روزنه، ۱۳۷۱)، صص ۷۳-۶۸.
- ۱۰- روح ا... رضائی. چهارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۰)، ص ۱۱۲.
- ۱۱- برای اطلاع بیشتر از این نظریه ن.ک: همایون کاتوزیان (محمدعلی)، «به سوی نظریه عمومی انقلاب‌های ایران»، ترجمه علیرضا طیب، راهبرد، ش ۱۹، بهار ۱۳۸۰.
- ۱۲- برای اطلاع از این دیدگاه ن.ک: جان فوران، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)، ترجمه احمد تدین، (تهران: رسا، ۱۳۷۷).
- ۱۳- برای اطلاع بیشتر از این موضوع ن.ک: روح... رضائی، «گرایش‌های روشنفکری در تاریخ و سیاست عصر مصدق» در: جیمزبیل و ویلیام راجرلوئیس، مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، (تهران: نشر نو، ۱۳۶۸).